

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

پیدایش خط و عوامل آن

چه عواملی اسلوب خط را تشکیل میدهد جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد

در شماره ۴۰ وعده دادیم که بی‌حاشیه بقیه جعل پردازیم راجع بتراشیدن و خراشیدن و محو بقصد تقلب مفصلاً بحث گردید اینک بی‌حاشیه مورد دیگر که الحاق است میپردازیم : یکی از موضوعاتی که بیشتر مورد عمل جاعلین است الحاق میباشد زیرا عمل تراش و خراش و محو هم بمنظور الحاق صورت میگیرد و در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی در عداد موارد و عناوین جعل پیش بینی شده و موارد دیگری هم در همین ماده تحت عنوان قلم بردن سیاه کردن و تقدیم و تأخیر تاریخ سند ذکر گردیده که در قوانین جزائی کشورهای دیگر مانند ما عنوان خاصی نداشته و عناوین مزبوره هم از مصادیق جعل که الحاق باشد محسوب میگردد.

الحاق

هر چیزی که در متن و حاشیه سند و نوشته ای اضافه شود که موجب اضرار دیگری شده و بنفع فرد یا افرادی تمام گردد الحاق نامیده میشود.

در اثر الحاق ارقام یا حروف و یا کلمات تغییر پیدا میکند ولی این عمل غالباً روی قسمتهای خراشیده و یا تراشیده اعمال میگردد.

اضافه نمودن کلمات یا سطری را بین سطور دیگر و یا بالای امضاء اسناد و نوشتجات همچنین خط کشیدن روی کلمه و سطری که بطلان آنرا برساند در عداد الحاق نیز محسوب میشود.

تشخیص عمل الحاق در مراجع قضائی بوسیله ذره بینهایی که کلمات را چندین برابر بزرگ مینماید صورت میگیرد ولی استعمال ذره بین خسته کننده بوده و در اثر خستگی چشم ممکن است کارشناس و یا بیننده را باشتباه بیاندازد و برای اینکه نتیجه این قبیل امتحانات با حقیقت اصابت نماید باید از توسل بآن صرف نظر نمود و با آلات و ادواتی که منابع قوی نور را ایجاد مینماید و از کاغذهای ضخیم عبور میکند استفاده نمود.

الحاق بجهار صورت انجام میگردد.

۱ - تغییر رقم یا حروف

این عمل گرچه دشوار بوده ولی متضمن منافع بیشماری برای جاعلین و سنازندگان سند میباشد زیرا ارقام یا حروف چکها و قبوض را تغییر داده و یا تاریخ وصیتنامه را بدون

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

خراش یا تراش و یا محو عوض نموده و منظورشان از این طریق عملی گردیده و مبالغ گزافی عاید آنان میگردد.

مثلاً رقم ۱۰۰۰ را با اضافه نمودن یک صفر به ۱۰۰۰۰ تبدیل نموده و با اضافه نمودن کلمه ده در مقابل مبلغی که با حروف نوشته شده بده هزار تغییر یافته و مورد استفاده قرار میگیرد.

در ۱۹۳۲ یک دعوی جزائی در یکی از محاکم جنائی سنگاپور طرح گردید که از هر حیث و از هر جهت مورد توجه علمای حقوق و وکلای عالم واقع گردید و در اغلب از جرایم عالم انعکاس یافت که نحوه جعل آن بشرح زیر میباشد.

تاجری شاگردی داشت که سالها اعتماد او را در نتیجه صحت عمل و کاردانی و دقت و مراقبت جلب نموده بود و تنظیم دفاتر و کلیه محاسبات خود را با او واگذار کرده بود و هیچ خدشه ای بعملیات او در سنوات متعاقبه مشاهده ننموده بود که او را از طریق حسن ظن منحرف نماید شاگرد مزبور علاوه بر حقوق ثابت مبلغی هم بصورت حق العمل و پاداش از میزان کل معاملات بر طبق دفاتر تنظیمه دریافت مینمود و کلیه چکها و اوراق تجاری دیگر بوسیله همین شاگرد تنظیم میگردد و با امضاء تاجر مزبور میرسید روزی افکار شیطانی در مغز شاگرد مزبور خطور نمود و بفکر سوء استفاده افتاد که از طریق الحاق در متن چکی که با امضاء ارباب خود رسانیده بود مبلغی از وجوه ابراجمعی خود برداشت نماید لذا چکی بمبلغ ۱۲۵ دلار نوشته و در قسمت حروف مبلغ چک فاصله کمی از سمت و راست چپ گذاشته بود که بعداً بتواند منظور خود را که الحاق است تأمین نماید.

در روزیکه تاجر مشغله زیاد داشت شاگرد مزبور از موقع استفاده کرده و در حین کار چک ۱۲۵ دلار را با امضاء میسرماند و موضوع مورد دقت تاجر قرار نمیگیرد. پس از آنکه چک با امضاء رسید شاگرد منظور خود را اعمال نموده با الحاق رقم (۱) در سمت و چپ رقم (۱۲۵) آنرا تبدیل به ۱۱۲۵ دلار نموده و در قسمت مبلغی که با حروف بزبان انگلیسی نوشته شده بود طوری یک را در سمت چپ صد و بیست و پنج ریال ترسیم نموده بود که توانست در اثر افزودن چند حرف در چپ کلمه یک و یک حرف در آخر آن بیازده تبدیل و بصورت یازده صد و بیست و پنج دلار درآید و در اثر این عمل ۱۱۲۵ دلار از بانک دریافت نمود.

تاجر که گاه گاهی برای رسیدگی به حساب بانکی خود بآنک مراجعه مینمود در موقع مراجعه مشاهده کرد ضمن صورت چکی بمبلغ ۱۱۲۵ دلار در حساب نوشته شده متمجب گردید که چنین چکی با این مبلغ امضاء و صادر نموده اصل چک را میخواهد و موضوع مورد سوء ظن او قرار میگیرد زیرا همیشه چکهای کم مبلغ را که بخط شاگرد خود بود امضاء مینمود و ارقام بزرگ را تماماً خودش مینوشت و پس از بررسی در مقامات رسمی قضائی و عکسبرداری و درشت کردن چک عمل الحاق روشن شده و شاگرد را تحت تعقیب قرار میدهند و اونیز پس از بازپرسی بگناه خود که الحاق باشد اعتراف میکند که بکرات مرتکب جعل

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

و الحاق گردیده و در نتیجه رسیدگی معلوم شد در حدود یکصد هزار دلار از این الحاقات استفاده سوء نموده و بالاخره بمجازات قانونی محکوم میگردد.

۳ - الحاق در محل تراشیدگی و خراشیدگی

روکش کاغذی که در نتیجه استعمال قلمتراش - آلات خراش - مداد پاک‌کن و با معرفهای شیمیائی از بین رفته است کلمات الحاق شده روی آن پخش گردیده و دارای دندان‌هائی است که با ذره بین کاملاً ظاهر و آشکار میگردد و این بهم خوردگی و پراکندگی حتی نسبت بکاغذ هائی که در روی آن سند روس مالیده شده نیز مشهود و قطر آن پنج برابر گردیده و کاملاً قابل تشخیص میباشد و اگر روکش دیگری مجدداً در محل تراشیده و خراشیده و محو شده گذاشته شده باشد در نتیجه ریختن بنزین در روی آن و یا اشعه ماوراء بنفش و یا بخار آمید یودیدریک (*acide iodhydrique*) و چراغ بخارات جیوه‌ای و همچنین از طریق عکسبرداری کاملاً معلوم گردیده و پرده از روی اعمال جاعلین بر میدارد .

۴ - الحاق کلمات در بین دو سطر

الحاق کلمات در بین دو سطر و یا بالای امضای سند یکی از موارد مخصوص الحاق است و عبارت از افزودن سطری در قسمت سفید و ننوشته سند و یا اضافه کردن سطری بین قسمت نهائی متن سند و امضاء آن میباشد .

در اینگونه موارد باید محل تلاقی خطوط را باهم در نظر گرفت زیرا اینگونه الحاقات همیشه در فاصله کمی صورت گرفته و با خطوط فوقانی و تحتانی تلاقی مینماید و با در نظر گرفتن قدمت و حدوث آن یعنی سن هر یک از دو خطوط متلاقی و نوع مرکب میتوان فهمید کدامیک از دو خطوط الحاق گردیده است و محال است یک جاعلی زهر دست بتواند با احتیاطات لازمه از برخورد و تلاقی خطوط جلوگیری نماید و همیشه سرکشهای کاف و یا گاف و یا خطوط عمودی خط الحاقی با خطوط بالا و همچنین قسمتهای تحتانی کلمات الحاقی با حروف سطر پائین تلاقی نموده و موجب کشف اعمال جاعلین میگردد

۴ - الحاق در نتیجه کشیدن خط روی کلمات و سطور و یا سیاه کردن

آن با مرکب و جوهر

در موردی که کلمات و یا سطوری بوسیله خط و یا لکه‌های مرکب و یا جوهر آژین برود این عمل علاوه بر اطلاق عنوان محو الحاق نیز نامیده میشود و بوسیله عکسبرداری میتوان سطور و کلمات خط زده و یا محو شده با مرکب و جوهر را خواند .

اگر مرکب خط ترسیم شده و یا مرکب ریخته شده با مرکب خط و کلمات محو شده یکسان باشد مقداری وازلین و یا تتراکلورودتان (*Tétrachlorure d'éthane*) روی کاغذ مالیده و از پشت آن عکس برداشته و نوشته کاملاً ظاهر و مرئی میگردد و لکه‌های سیاه نوشته را هم میتوان پانپه‌ای که با محلول زیرین آغشته شده است پاک نمود .

آب
 یک لیتر
 قرری سیانور دوپتاسیوم Ferricyanure de potassium ۱۲۰ گرم
 برومور دوپتاسیوم Bromure de potassium ۱
 ایپوسولفیت دوسود Hyposulfite de soude ۱۰
 در هر صورت در عمل الحاق نکته که قابل توجه است این است که عمل تقاطع راه را برای کشف قضیه باز نموده ولی باید در موقع استحان و آزمایش تقدم و تأخر خطوط مورد تقاطع را معین نمود و این امر نیز بدو وجه صورت میگیرد یا از طریق ترتیب و تنظیم خطوط با یکدیگر و یا از نوع مرکب آن .
 ضابطه صحت و عدم صحت خطوط مورد ظن این است که بدانیم نظم و ترتیب در خطوط مزبوره رعایت شده است یاخیر .
 اگر خطوط مزبوره از یکدیگر در موقع تقاطع گذشته باشد نوشته قابل خدشه نبوده و طبیعی میباشد .
 اگر خط تحتانی فقط زیر خط فوقانی قرار گرفته و از آن تجاوز ننموده باشد خطوط مزبور مظنون بوده و بیشتر باید مورد دقت واقع گردد .
 اما در قسمت مرکب نسبت به نوع آن خطوط مورد تلاقی فرق کرده و ذیلاً به بحث انواع آن می پردازیم .

مداد گرافیتی

گرافیت‌های طبیعی دارای رسوبات سیلیسی است که بصورت شیار سفید مجزای از یکدیگر در زمینه مواد ملونه در روی کاغذ پدیدار میشود در اینصورت خطی که بعداً ترسیم گردیده خطی است که در قسمت تقاطع دارای شیارهای سفید متصل بهم میباشد .

مداد گرافیتی با مرکب آهن دار

تعیین محل تقاطع خط مدادی با خط مرکبی کار سهل و آسانی است ولی اگر مرکب فوراً خشک شده است مواد ملونه مرکب را میتوان با مواد ملونه مداد در خطوط مورد تقاطع تشخیص داد .

مداد رنگی

مدادهای آبی و قرمز مواد ملونه غیر قابل حلی دارند که تعیین آن دشوار میباشد . اگر خط مداد قرمز یا آبی با خط مداد سیاه تلاقی نماید انعکاس نور بوسیله گرافیت در نقطه تقاطع تیره گشته و تردیدی نیست که خط رنگی روی خط دیگر قرار گرفته است .

برعکس وقتی این دو خط روی هم واقع شد مواد ملونه آن انعکاس شدیدی بوسیله گرافیت در محل تقاطع خواهد داشت .

مداد مرکبی

از نظر وجود تنور دانیلین (teinture d'aniline) که در منافذ و ذرات خطوط ترسیمیه منتشر میگردد تعیین محل تقاطع و تقدم و تاخر آن دشوار میباشد .

مرکب استامپ

مرکبهائی که با محلول تنطور دانیلین در آب و الکل با یکی از مواد غلیظ درست شده باشد در موقع تلاقی با خط مدادی و مرکب چنین بنظر می آید که زیر هم واقع گردیده و تعیین تقدم و تاخر آن بوسیله نوری که شموادیه محل مزبور بتابد کار سهل و آسانی خواهد بود .

مرکب چاپ

خطوطی که با مرکب چاپ ترسیم گردیده تعیین تقدم و تاخر آن در محل تلاقی امکان پذیر بوده مشروط بر اینکه خطوط مزبوره با مرکبهائی که سن مختلف دارد ترسیم شده باشد .

اگر خط مدادی با خط مرکب چاپ تلاقی شود با نور مایل شیار خط مدادی کاملاً نمایان گردیده و قابل تشخیص میباشد .

مرکب سیاه هنریشه ها

مواد ملونه آن غیر قابل حل بوده و در مواد صمغی آویزان میباشد ولی تشخیص آن مشکل نبوده و دارای رسوب متصل بهم میباشد .

مرکب تحریر

خطوطی که با مرکب آهن دار یا مرکب بلو بلاک Blue-black و یا مرکب بغم ترسیم شده باشد تعیین تقدم و تاخر آن در مورد تلاقی کار دشواری است و بدو صورت در می آید .

اگر مرکب خشک شده باشد و خشک شدن آن هم لااقل ۴۸ ساعت وقت لازم نازد تعیین خط الحاق شده کار سهل و آسانی است زیرا مرکب که حالت اکسیداسیون پیدا کرده مواد ملونه غیر قابل حل مرکب دوم با اومزوج نکرده و رسوبی تشکیل میدهد که کاملاً ظاهر و نمایان خواهد بود .

ولی اگر مرکب روی کاغذ تازه بوده و هنوز خشک نشده باشد عمل اکسیداسیون فوراً صورت گرفته و تاننات دوفر (tannate de fer) در محل تقاطع ممزوج خواهد شد . برای کشف الحاق لازم است که حروف و کلمات و سطور را بدقت ملاحظه نمود و طرز ترسیم آنانرا در نظر گرفت و نهایت درجه احتیاط و مراقبت را در تطبیق بایکدیگر از نظر اختلاف رنگ و بهنائی حروف بکار برد تا روشن گردد که در نوشته مورد ظن عمل الحاق صورت گرفته است یا نه .

طریقه کف جعل در عصر حاضر

یک خط و باحرف تیره و سیاه در موقع تلاقی باخط روشن چنین بنظر میآید که خط تیره روی خط روشن قرار گرفته و خط و حروف و کلمات سیاه بعداً بان اضافه گردیده است. برعکس یک خط کم رنگ و روشن در موقع تلاقی با خط تیره و سیاه بنظر میآید که در زیر خط و حروف سیاه قرار گرفته و خط پررنگ وارد بر آن است.

بادر نظر گرفتن این حالات برای هر فردی مشکل است تعیین نماید که کدام یک از این دو سطر و یا خطوط و حروف بعداً ترسیم گردیده و عدم تجربه و اطلاع انسان را نیز باشتباه خواهد انداخت.

یک خط روشنی که بسرعت نوشته شده است نمیتواند بطور محسوس در خط سیاه و تیره که نازک باشد دوپیده ولی در خط پر مایه و سیاه خواهد دوید.

اگر خط روشنی مورد تلاقی خط تیره واقع شود در موقعی که خط تیره رطوبت دارد و هنوز خشک نگردیده است فوراً پهن و منتشر شده و خط دومی روی خط اول واضح و نمایان بوده و قابل اشتباه نمیشد.

اگر مرکب غلیظ و سیاهی مانند نیکروزین با مرکب رنگی و سیالی اصابت کند خطوط دومی حالت پر مایه و سیری داشته و طوری خود را نشان میدهد که ممکن است نتیجه غلطی منتهی گردد.

اگر مرکب اولی قابل حل باشد ممکن است دو خط در موقع تلاقی بهم آمیخته شده و یکی گردد و آثار و لکه های خط تیره اولی کمی روی خط روشن و رنگی بسط یافته و ظاهراً نشان دهد که خط تیره و سیاه بعداً الحاق شده است.

خطوط تلاقی شده قسمتهای دیگر سند را باید با خطوط تلاقی شده مورد ظن تطبیق و مقایسه نمود و اگر مدت آن کم و خط اولی تر نباشد محتمل است خط دومی تاسی بخط اولی نماید.

مرکبهای تجاری که در همه جا مصرف میشود در ظرف چند ثانیه جذب کاغذ شده و ثابت میگردد.

همیشه برای رسیدگی و کشف حقیقت باید سرکش کاف و گاف و خط عمودی ط و ظ را و همچنین خطی که در زیر های هوز میگذارند و عمل تلاقی را تشکیل میدهد با مورد تلاقی مزنون مقایسه نمود.

اگر سطر دومی که مرکب آن مشخص و معین و سیال باشد با سطر اولی که مرکب آن بوسیله کاغذ جذب گردیده و کمی مرطوب باشد تلاقی کند نقطه متلاقی در روی سطر اول بطور روشن پهن میگردد.

نمونه های متعددی از این قبیل تلاقیها روی صفحات مشق و یا نامه های مفصل که متضمن حروف و سطور مختلفه است مشهود و معلوم میگردد که حرفی باحرف سطور دیگر تماس پیدا کرده و عمل تلاقی بخوبی صورت گرفته است یا نه

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

لازم است چند دقیقه وقت صرف نموده تا هرسطری کاملاً خشک گردد و در هوای مرطوب هم جریان مرکب مدت مدیدی ادامه خواهد داشت

جریان یا انبساط مرکب در سطر سابق فقط بستگی با جریان مرکب سطری با سطر دیگر نخواهد داشت بلکه ناشی از خود قلم بوده که با سطر سابق تماس پیدا نموده است خط نازک بدون سایه دارای کمی مرکب بوده و بنظر میآید که مرکب قلم کافی برای فرا گرفتن خط سابق نبوده است ولی این نکته را باید در نظر گرفت که هرسطری بوسیله قلمی که دارای مرکب زائد از حد لازم ترسیم خط در آن محل میباشد صورت گیرد.

آنچه شایان اهمیت است این است که انبساط مرکب سطر دوم روی سطر اول بطور غیر محسوس پس از آنکه سطر اول کاملاً خشک شود ادامه داشته و وسعت انبساط آن بستگی با شرایط مختلف مخصوصاً زمانی که برای انجام دو خط ضرورت دارد خواهد داشت.

علت پهن شدن خط بعدی در موقع تلاقی این است که کاغذ و مرکب سطر اول که ترسیم شده خشک گردیده و قدرت جذب آن برای مرکب تازه بیشتر از سایر نقاط کاغذ خواهد بود که هنوز مرکب روی آن قرار داده نشده است.

یک قطره مرکب در روی کاغذی که روی آن قطره آبی ریخته شده و خشک گردیده است بمراتب پهن تر از نقاط دیگر کاغذ خواهد بود.

علت دوم پهن شدن خط دوم در موقع تلاقی دو سطر عبارت از سائیدگی کاغذ در نتیجه اصابت نوک قلم بوده که آنرا متخلخل نموده است.

مرکب سطر و خطی که تلاقی میشود در شیار هائی که در نتیجه اصابت قلم در روی کاغذ ایجاد میشود پس از اکسیده شدن مرکب و ثبوت آن پهن گردیده و این حالت نیز در موقعی که مرکب سابق مرکب تازه خط دوم را جذب نمینماید صورت میگیرد. بدیهی است که تورم خط در موقع تلاقی از اعمالی است که بوسیله ذره بین باید معلوم گردد و نیز بزرگ شدن خط بعدی را هم میتوان بوسیله نوری که از شیشه ای بگذرد مشاهده نمود و اگر عکس از نقطه تلاقی برداشته شود این حالت کاملاً روشن و نمایان میگردد.

نتیجه طبیعی تلاقی دو سطری که با مرکب نوشته شده در موقعی که خط اخیر یا فوقانی در فاصله کمی بعد از خط اولی صورت گیرد قابل تغییر بوده و در صورت بکار بردن خشک کن سایه دار میباشد.

اگر سطر دومی قبل از اکسیده شدن مرکب سطر اولی و تثبیت آن صورت پذیرد مرکب تازه در تمام جهات آن با مرکب سطر اول در موقع تلاقی و تقاطع متحد میگردد و کاغذ خشک کن بیشتر از سطری که اخیراً ترسیم گردیده مرکب برداشته و برعکس در سطر اول در موقع تلاقی مرکب کمی بر خواهد داشت.

نتیجه عمل خشک کردن سطر دوم این است که سطر اول یعنی سطری که در زیر مجاور آن است تیره یا روشن در اثر تلاقی گردیده و دارای رنگ واحد و مستمری میباشد

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

در صورتیکه خط اخیر که بالای مجاور آن باشد یکسان بوده و حواشی و اطراف آن نیز یکسان مساوی خواهد بود .

اگر خط اولی تیره باشد و بعد فوراً عمل خشک کردن انجام و خط دومی هم فوراً خشک گردد نمیتوان معلوم نمود کدام یک از این دو خط بعداً صورت گرفته و مورد الحاق میباشد مگر اینکه روی دو خطی که از حیث عرض مساوی هستند و با یک قلم ترسیم شده اند آثار قلمی سطر بالای مجاور آن در موقع تلاقی مشخص و معین باشد . ولی اگر روی سطر اول خشک کن بکار برده شده باشد و سطر دومی در فاصله کمی ترسیم گردد نمیتوان تشخیص داد کدامیک از این دو سطر بعداً صورت گرفته است . نتایج حاصله از عمل خشک کردن تفاوت میکند و لولاینکه سطر دوم مدت مدیدی بعد از سطر اول انجام گرفته شده باشد .

نوشتجاتی که با مرکبهای تجارتي نوشته میشود سهولت میتوان آنها را با آب پاک نمود .

اگر این نوع مرکبها حتی در موقعی که خشک شده باشند زیاد کهنه نباشد قسمتی از آن با کاغذ خشک کن که در موقع تلاقی با سطر تیره نوشته شده است نیز برداشته خواهد شد .

در هر حال الحاق متقابله اغلب پس از تنظیم نوشته که هنوز دارای رطوبت بوده و کاملاً خشک نگردیده صورت میگیرد و بعضی اوقات هم با همان آلات و ادوات و لوازمی که برای تحریر آن بکار رفته است انجام میگردد .

از طرز نوشته میتوان فهمید که آیا خشک کن بکار رفته است یا خیر .

کناره ها و شیارها و خطوط مضرس و دنداندار نوک قلم در نوشته کهنه و قدیمی از بین رفته و قابل تشخیص نبوده و کاملاً معدوم میگردد .

و اگر با ذریبئی ملاحظه شود معلوم میگردد که عرض سطر قلمی که با سطور دیگری تلاقی نموده متفاوت بوده و دارای یک اندازه نمیشد و الحاق کاملاً از مشاهده تفاوت پهنائی معلوم خواهد شد .

تقاطع و تلاقی خطوط از نظر مرکب فرق میکنند اول نوع مرکب را باید در نظر گرفت و بعد فهمید که اثرات مرکبی که در موقع تلاقی با سطری که با مرکب دیگر نوشته شده است چگونه بوده و دارای چه علائم و آثاری است تا بتوان قضاوت نمود کدام یک از این دو خطوط مورد تلاقی بعداً نوشته شده است .

اگر دو سطری که مرکب آن هنوز تر بوده و خشک نگردیده و نوع مرکب آن یکی است با هم تلاقی کنند کشف آن که کدام یک از این دو خط مورد الحاق واقع شده اند مشکل و دشوار میباشد .

اگر خط درشت که هنوز خشک نگردیده است با خطی نظیر خود روی کاغذ خشنی یکدیگر را تلاقی نمایند اگر با نور آثار نوک قلم سطر آخر را به یقین واضح و روشتر

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

از سطر اولی بنظر آمده و کاملاً ظاهر و نمایان بوده و معلوم مینماید کدام یک از این دو سطر بعداً الحاق گردیده است .

اگر بخواهیم سطور مورد تقاطع را امتحان نمائیم لازم است که ذره بین را در مقابل نور خورشید قرار داده و آنرا روی کاغذ مورد ظن گذاریم تا زاویه صحیحی را که عمل تقاطع صورت گرفته است پیدا کرده و بتوانیم دو خط مورد تقاطع را در تمام طول آن بررسی نمائیم .

در حال این نوع آزمایش نسبت به مرکبهای تازه که هنوز خشک نگردیده است دشوار بوده ولی برعکس نسبت به مرکبهایی که خشک گردیده و زمانی از استعمال آن گذشته است نتایج مطلوبی بدست خواهد داد .

ولی آنچه شایان توجه است و در قسمت آزمایش باید مورد ملاحظه واقع گردد بشرح زیر میباشد .

- ۱ - نوع قلم
- ۲ - نوع مرکب
- ۳ - حرکت دست
- ۴ - سرعت و تندى و کندى خط
- ۵ - نوع کاغذ
- ۶ - آزمایش کلیه خطوط مورد تلاقی در قسمت های غیر منظون سند
- ۷ - باید دید که آیا روی کدام یک از دو خطوط متلاقی خشک کن استعمال

شده است

- ۸ - ظرافت و طرز نگارش هر یک از خطوط مورد تلاقی
- ۹ - حالت تخلخل و خشکی کاغذ
- ۱۰ - غلظت و روانی مرکب
- ۱۱ - پهنائی خطوط مورد تلاقی و اندازه گیری آن
- ۱۲ - تجزیه شیمیائی مرکبها
- ۱۳ - تغییر رنگ مرکب
- ۱۴ - در نظر گرفتن سن هر یک از دو خطوط مورد تلاقی
- ۱۵ - امتداد خطوط و سطور مورد تلاقی
- ۱۶ - کدام یک از این دو خطوط مورد تلاقی مضررس و دندانه دار میباشد .
- ۱۷ - آیا عمل رتوش یا اصلاح در کدام یک از این دو خطوط بکار برده شده است .
- ۱۸ - رطوبت کاغذ
- ۱۹ - برآقی کاغذ

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

۲۰ - آیا لعاب روی کاغذ کشیده شده و یا روکشی روی آن گذارده‌اند کدام یک از این دوخط مورد تلاقی دارای این کیفیت میباشد .
درالحاق با ماشین تحریر هم باید از تغییرات حاصله در طرز زدن ماشین فهمید که آیا خطوط الحاقی بایک ماشین و یک نوار و بوسیله یکنفر انجام گرفته است یا خیر .

خطوط دستهای راهنمایی شده

بعضی از جعلها ممکن است بادت صادر کنندگان سند و نوشته صورت گیرد ولی برخلاف میل و اراده آنان تنظیم گردد این قبیل جعلها را خطوط دستهای راهنمایی شده بوسیله غیر میگویند .

این نوع خطوط سه وجه صورت میگیرد .

۱ - دست بیحرکت ۲ - دست مجبور ۳ - دست کمک شده

دست بیحرکت

دست بیحرکت بدستهای مفلوج - بیسواد - و افراد محضتر اطلاق میگردد تهیه کنندگان این قبیل اسناد را عقیده بر آنست که هر نوشته با قلمی که بین انگشتان صادرکننده آن باشد تنظیم گردد دارای همه گونه ارزش و اعتبار خواهد بود . این قبیل افراد دستهای بیحرکت را در دست خود گذاشته و آنانرا در نوشتن و امضاء کردن سندارشاد مینمایند و افرادی که دست بیسواد یا جاعل یا محضتر در دستشان است از ضعف و بیماری و جهالت آنان استفاده کرده و نوشته و سندیرا تنظیم مینمایند که صادرکننده آن ناتوان برای تشخیص مضمون و مفاد آن میباشد .

نتیجه این اعمال این است که نوشته و سند با دستهای بیحرکت تنظیم نگردیده و کاملاً فکر و منظور راهنما عملی گردیده است ولی این نوع نوشتجات از حالت نظم و ترتیب خارج شده و دارای قواصل بیشماری خواهد بود و اسلوب و طرز نگارش و زوایای آن غیر طبیعی میباشد و در اولین نظر میتوان باین معنی کاملاً پی برد که این قبیل نوشتجات عاری از حقیقت بوده و مجعول میباشد . گرچه خط این نوشتجات با خط راهنما اختلاف دارد ولی فکر راهنما در تنظیم آن دخالت تام داشته است .

دست مجبور

این نوع نوشتجات که در اثر حمله و یا آکراه و تهدید تهیه میشود بزه محسوب و قابل تعقیب کیفری میباشد و در قانون مجازات عمومی هم علاوه بر جعل تهیه این قبیل نوشتجات عنوان جزائی دیگر بر پا بخود گرفته است و در ماده ۲۳۳ باین معنی کاملاً اشاره شده است ولی مفهوم این ماده این است که هر کس دیگر را بجبر و قهر یا باکراه و تهدید ملزم نماید باینکه نوشته یا سندی بدهد یا نوشته یا سندیرا امضاء و مهر کند بجهت تأدیبی از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد که موارد مذکوره در این ماده حکایت از تنظیم این قبیل نوشتجات بوسیله و دست راهنما نمینماید ولی میتوان از حیث اخذ چنین نوشته علاوه بر عنوان جعل از این ماده هم استفاده نمود .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

برای تهیه این قبیل نوشتجات افراد تهدیدکننده دست اشخاص را گرفته و بادست خود آنها را وادار به تنظیم اسناد و نوشتجات بر علیه خودشان و بنفع دیگران مینمایند . مبارزه بین دو اراده که اراده مجبورکننده و مجبور شده باشد خطوط را از حال طبیعی خود خارج ساخته و صورت غریب و عجیبی بآن میدهد زیرا این قبیل خطوط غیر خوانا بوده و اگر دست راهنما قوی تر از دست مجبور شده باشد علاوه بر ناخوانائی خطوط لکه های زیادی از مرکب و جوهر در کاغذ ملاحظه گردیده و آثار پارگی هم از نظر اصابت سخت قلم در روی کاغذ مشاهده میگردد .

دست کمک شده

این مورد مصادیق زیادی دارد زیرا یانویسنده نمیتواند کلمات را بخوبی و آسانی بنویسد یا مبتلا بناتوانی از قبیل پیری - روماتیسم - ضایعات عصبی و یا زخم باز و میباشد . و این قبیل ضعفهای ناشیه از این عوامل قدرت تحریر را از او سلب نموده و احتیاج بدست راهنما خواهد داشت در تنظیم این نوشتجات گاهی اتفاق میافتد که دو اراده باهم موافق بوده در اینصورت بعضی کلمات بخوبی نوشته شده ولی در صورت تخالف بین دو اراده ممکن است صورت غیر طبیعی بخود بگیرد زیرا این نوع خطوط متضمن علائم بیشمار است که برای کشف حقیقت لازمست بتجزیه و تحلیل آن پرداخت .

خطوط مزبور غیر عادی بوده و اغلب خطوطی که بطرف پائین میآید از قدرت و استیلاء راهنما خارج شده و دارای اعوجاج زیادی بوده و آثار تشنج در آن کاملاً ظاهر و هویداست و عریض تر و طولیتر از سایر خطوط میباشد ولی برعکس دست راهنما متوجه خطوط صعودیست و دست هدایت شده متوجه خطوط نزولی میباشد و دوایر و انحنا نیز بنحو مطلوبی صورت نگرفته و دایره ها بزرگ و پیچ در پیچ میشوند .

حال چون در این نوع نوشتجات اشاره به پیری - روماتیسم - حالت احتضار و فلج شده است برای بسط اطلاع خوانندگان گرامی شمه از این حالات تشریح میگردد .

پیری

پیری از ۶۰ سالگی شروع میشود ولی بانوع زندگی و آغاز ضعف و تحلیل تدریجی عضو فرق میکند . سر حقیقی ادامه حیات و طول عمر مراعات و صرفه جوئی در مصرف قوا میباشد

اعلام پیری

بعضی تغییرات در بدن انسان عارض میشود که آنرا پیش درآمد پیری مینامند و این تغییرات ممکن است زودتر از موعد مقرر در انسان پیدا شود .

از سن ۳۰ بعد نرمی پوست برطرف میگردد در پیشانی چین عارض میشود موها شروع پریختن مینماید و از سن ۴۰ موها شروع بسفید شدن نموده دندانها کم کم از بین رفته چشمها حالت دوربینی پیدا کرده و یک قوس در دوره قرینه چشم پیدا میشود صدا

طریقه کشف جهل در عصر حاضر

ضعیف و بصورت شکستگی در بیاید گوش سنگین گردیده و نبض کند میشود و ریه حالت انعطافی خود را از دست میدهد و غذا کم شده و حرارت بدن از ۶۰ بعد نقصان یافته به ۳۶ درجه رسیده و بعد از ۸۰ سالگی به ۳۵ درجه میرسد - خواب کم شده و بیش از ۵ یا ۶ ساعت بدون اینکه ایجاد خستگی نماید خواب نمیکنند - قد کوتاه و بطرف خمیدگی میرود وزن بدن کم شده و انسان بتدریج تا ۹ کیلوگرام وزن خود را از دست میدهد و فعالیت حیاتی بتدریج رو بکاهش میرود .

روماتیسم

روماتیسم که معنی لغوی آن تورم دردناک است مرضی است که آثار آن ورم مفاصل - احشاء و عصب که متعاقب با درد شدیدی است بوده و دارای صور مختلفه میباشد .

روماتیسم مفصل حاد مرض عفونی میباشد که بستگی با وجود ویروس و میکروبهای مختلف دارد و قابل سرایت بوده و از امراض عمومی است که در کوجها - خانهها - دهات و سر بازخانه ها مشاهده میگردد .

در زمستان و بهار در نتیجه سرمای مرطوب بین ۱۵ و ۴۰ درجه شیوع یافته و در اثر ضربه - سقوط و اختلالات حاصله در گوارش و وراثت نیز پیدا میشود .

این ضایعات غالباً از اجتماع مایع در مفاصل که با ورم دردناک همراه است ایجاد گردیده و در پرده دماغ و قلب و ریه و قشر داخلی شرائین نیز ظاهر میگردد .

مفاصلی که بیشتر دچار روماتیسم میشود عبارت از اعضائی است که بیشتر خستگی متوجه آنان گردیده و یا سرماخوردگی پیدا میکند . از قبیل زانوها - مچ پا - مچ دست - شانه ها - بندهای دست و انگشتان - پاها - ستون فقرات و فکین میباشد ولی قسمتهای دیگر بدن که بی حرکت هستند کمتر درد را احساس میکنند .

اشخاص مبتلا بروماتیسم رنگ پریده بوده و پوست دست و پای آنان بر آمده و باد کرده میباشد .

عرق زیادی مخصوصاً در شب عارض آنان گردیده و بوی ترشی از آن استشمام میشود درجه حرارت آنان بالا و پائین رفته و گاهی زیاد میگردد بول آنان کم و قرمز رنگ بوده و آسید زیادی دارا میباشد و در موقع سرد شدن دارای رسوب و ته نشین بوده و درزنها نیز اختلالاتی در قاعدگی پیدا میشود .

عوارض آن وجود آلبومین سرم خون در بول یا آلبومینوری (Albuminurie) ورم کلیه - نفریت (Néphrite) ورم غده درقی - تیروئیدیت (Tyroidite) ورم وریده فلیت (Phlébite) ورم پرده عنقیه چشم - ایریتیس (Iritis) میباشد و ضایعاتی نیز در قلب و ریه و مغز پیدا میشود .

حالت نزع

مبارزه نهائی جهت رهائی از مرگ را حالت نزع و یا احتضار گویند .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

در بعضی موارد هوش و احساس تا قطع حیات وجود دارد ولی غالباً نگاه ثابت از بین رفتن حالت سیما - خرخر و خس و خس نفس که منتهی بدشواری و قطع تکلم میشود فرعات جزئی و متناوب نبض - بی رنگی لبها - سرد شدن بینی و دست و پا و تسری آن به قسمتهای دیگر بدن و قطع حس و حرکت از علائم قطعی حالت نزع میباشد .

در امراضی که با تب توأم است حرارت زیر بغل زیاد گردیده و ممکن است پس از مرگ به یک درجه هم برسد .

در امراض قلبی و جهازات تنفسی حال احتضار طولانی شده و از این حیث بیمار در زحمت میباشد .

در نتیجه ناقص بودن عمل ام الشرائین نبض ندرتاً محسوس گردیده و یا کاملاً غیر محسوس میباشد ولی ممکن است ضربان قلب مجدداً به حالت اولیه عود کند و از حال رخوت و سستی خارج گردد و مریض چند ساعت یا چند روز در حال حیات باشد .

در هر حال با وجود تمام این حالات در شخص محتضر قوه سامعه او از کار نیافتاده و حرفها و سخنان اطرافیان خود را کاملاً میفهمد ولی برعکس حس شامه و باصره او ضعیف گردیده و لی تیزی گوش او تا آخرین دقیقه حیات برقرار است لذا نباید حرفی زد و یا حرکاتی نمود که موجب یأس او از حیات گردد و به سرعت مرگ او کمک نماید .

لحاف و روپوش شخص محتضر را که عرق زیاد داشته باشد باید کم نمود ولی باید احتیاط کرد که در معرض سرما خوردگی واقع نگردد .

لبهای او را باید همیشه با پارچه ای که در آب خیس شده باشد تر نموده و ترشحات چسبناکی که در اطراف دهان او ایجاد میشود پاک کنند و با قاشق آب در دهان او ریخته و طوری به او آب ندهند که در حنجره اش ریخته شده و موجب خفگان مریض گردد .

اگر در مریض امید حیاتی باشد لازم است که بوسیله ادویه رادعه از قبیل ضماد خردل و غیره آزمایش نموده و روی پای بیمار گذاشته و یا اینکه با الکل آنرا مالش دهند ولی در صورت یأس از هر گونه عملی که موجب اذیت و آزار شود باید خوداری نمود .

فلج

محرومیت کامل و یا نقصان حس و یا حرکت ارادی را فلج گویند .

فلج بیش و کم موضعی بوده و ممکن است متوجه طرف راست و یا چپ بدن شود و آنرا فلج نیم تنه و یا امیپلهژی (Hémiplégie) می نامند . و اگر متوجه قسمت تحتانی و یا معامه مستقیم و مثانه گردد پاراپلژی (Paraplégie) نامیده میشود در صورتیکه یک عضو بدن به فلج مبتلا گردد آنرا مونوپلژی (Monopolégie) گویند .

فلج اعصاب یا کلی است و یا جزئی اگر فلج ناقص باشد آنرا پارزی (Parésie) گویند و فقدان حس در موقع تماس آنالژی (Analgésie) میباشد و اگر این حالت متضمن درد نباشد آنستزی (Anesthésie) نامیده میشود .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

بی حسی بدن که متعاقب فلج حرکات است اِیپرستزی (Hyperesthésie) میگویند .

هر فلجی که با سختی و سفتی عضلات و لاغری کم و بیش همراه باشد هزال یا آتروفی (Atrophie) نامیده میشود و ممکن است با انقباض دردناک که کرامپ (Crampe) میگویند توأم گردد .

این نوع فلجها از نظر منشاء و پیدایش بدو دسته تقسیم میگردد .
فلجهای عضوی که در اثر ضایعات سلسله اعصاب و یا مغز حرام ایجاد میگردد که میتوان با چشم مشاهده نمود از قبیل نرمی مغز (Ramollissement Cérébral) انسداد رگ یا آمبولی (Embolie) و یا وجود لخته‌ای از خون در جدار رگها ترومبوز (Thrombose) و یا جرح عصب .

قسمتهای دیگر با ذره‌بین نمایان گردیده مانند ورم اعصاب - نوریت (Névrite) امراض عفونی از قبیل دیفتری - و رودسم در بدن مانند الکل و سرب و یا غذاهای فاسد - سرما - روماتیسم - نقرس - مرض قند .

فلج انواع زیادی دارد که ذکر آنها در اینمورد از بحث ما خارج است .
این نوع امراض کاملاً تأثیر بسزائی در خط داشته و خطوط و نوشتجات را از حالت طبیعی خارج کرده و با کارشناسان است که با تطبیق خطوط مزبوره با خطوط افراد قبل از ابتلاء به این امراض اظهار نظر نمایند . و هر قدر در این قبیل موارد دقت مبذول گردد بیشتر به کشف حقیقت کمک کرده و پرده از روی اعمال جا علین بر خواهد داشت .
در هر حال مجاهدت و کوشش علماء و دانشمندان بمنظور مبارزه با جعل و جعل میباید که اهمیت حقیقی و انتظامات واقعی در عالم فراهم گردیده تا بشر با فراغت بال بزندگانی خود ادامه دهد .

تا ریشه جمجولات در يك كشور خشك نگرده محال است امنیت بتمام معنی در آن کشور مستقر گردد .

جمجولات هموناگون که حیات فردی و اجتماعی ما را متزلزل نموده است ناشی از جمجولات ذهنی ماست .

با داشتن سمت و عناوین جمجوله که همانا عدم صلاحیت علمی و فنی و اخلاقی است نمیتوان جمجولات حیاتی و اجتماعی را از میان برداشت کشت های جمجوله نتایج و ثمرات آن نیز جمجول بوده و عاری از حقیقت میباشد .

امروز نتیجه دیروز و مقدمه فردای ما خواهد بود .

هر کس و هر اجتماعی معمار بخت و سر نوشت خویش است .

دنیای کنونی کایه مسائل مشگل و غامض و امور لاینحل کره ارض را حل کرده و فعلاً میخواهد بکرات دیگر از قبیل ماه و مریخ راه یافته و بحل قضا یا و امور آنان پردازد .

ما هنوز در کارهای ابتدائی بشر عاجز میباشیم و کلیه این اعمال و صرف نیروها تاکنون جز سرگرمی چیز دیگر برای ما نبوده است .

شغلات هر فرد و هر اجتماعی در حکم قطعات برف است که رویهم انباشته شده و مانند بهمین بسر شغلت گذشته ریخته و آنرا نابود و منهدم میسازد افرادی که در تمام عمر امتحان ناتوانی داده اند چگونه میتوان از آنان امیدوار بود که برای از بین بردن مفاسد و اصلاحات اجتماعی توانائی داشته باشند .

باید بوسیله تقویت نیروی عقل و ایمان جلوگیری از هوای نفس نمود دولتھائی که قادر بانجام وظایف خود نبوده در حکم بتهائی هستند که وسیله استفاده سوء بک عده استفاده چی واقع گردیده اند . کدامیک از افراد این کشور هستند که برای فردای خود نگران نباشند؟ باید ریشه نگرانی را از یخ و بن بکنند و جز در سایه احترام و اجرای قوانین موضوعه این منظور عملی نخواهد شد . صورت سازی و شبیه سازی باید کنار گذاشت و با حقیقت سروکار پیدا نمود .

جامعه ۱۹۶۶ ساله آمریکا روی رعایت این اصل بردن حکومت میکند و امروز پر ثروت ترین کشورهای جهان بشمار میرود .

سرزمین کشور را باید از عناصر نامطلوب و چین نمود تا نهالهای تازه کاملاً رشد کرده و محصول نیکوئی باجتماع ما بدهد .

دستگاه قضائی که بمنزله محیط تربیتی این جامعه است باید با کمک افرادی که دارای نیروی فکری و اخلاقی هستند اداره شود تا این بجمعولات ذهنی و حیاتی از محیط ما رخت بربندد .

در هر اجتماعی که امور بر وفق اصول و قوانین صورت نگیرد و راه برای ترقی و رشد افراد مسدود باشد ناگزیر عده ای برای پیشرفت مقاصد خود دور اشخاص مقتدر آن زمان جمع گردیده و خود را آلت مقاصد و افکار سوء و پلید آنان مینمایند .

سیر تکاملی هر کشوری موقعی آغاز میشود که روی اصل و حقیقت ثابتی استوار باشد .

تهیه افراد میهن پرست موقعی است که منافع و فعالیتهای مشروع و حقوق قانونی افراد تأمین گردیده و امنیت قضائی در تمام کشور حکمفرما باشد و اصول تبعیض و جانبداری و آئین دوستیابی بکلی از بین برود در چنین وضعی سفله و پست ترین افراد حاضر نخواهند شد که میهن خود را برایگان از دست بدهند .

متملقان و چاپلوسان را که بمنزله موربان و وجود شما و کشور هستند از محیط خود دور کنید و فرمایش حضرت امیر علیه السلام را در نظر بگیرید که میفرماید من از مباح میترسم زیرا مرا در حال رکود گذاشته و امر را بر من مشتبه میسازد ولی قاذح موجب اصلاح معایب و نواقص من میگردد .

در محیطی که اصول و قوانین بر اعمال مردم حکومت نمیکنند و محور امور افکار و تمایلات عده ای از متفذین میباشد همیشه افراد نفع پرست و ماجراجو که فاقد هرگونه شخصیت میباشند دور افراد مقتدر و متشد آن عصر جمع گردیده و آنرا مانند بت علم مینمایند تا باغراض شیطانی و حالات نفسانی و مقاصد سوء خود نائل گردند و نتیجه این میشود که راه ترقی و پیشرفت و ادامه حیات در اثر عدم اجرای اصول و قوانین بر اشخاص با تقوی و دانشمند و عقیف و سایر افراد کشور مسدود گردیده و بی نظمی و فساد و هرج و مرج شایع میگردد .

هرجا که بت هست قانون و اصول نیست و هرجا که قانون و اصول هست بت وجود ندارد .

باید طریقی را پیمود که قانون قوت و حاکمیت داشته باشد نه هوی و هوس و مشتتهیات نفسانی دیگران .

با اجراء قانون و اصول مردم را باید از صفات زشت پاکیزه ساخت و صفات نیک آراست .

رعایت ضوابط و اصول و مقررات قانونی بمنزله اجراء عدالت اجتماعی بوده و در رأس تمام فضائل و تقویها قرار گرفته و در مورد عموم باید آنرا برایمان اجراء نمود و سگر نه متن سنگ قبر کلئون (Cléon) در مورد آنان صدق پیدا خواهد نمود . و ذیلاً عین این اشعار با ترجمه آن درج میگردد

Ci-git Cléon, ce président avare
Qui vendait la justice à chaque citoyen,
Croyant qu'une chose si rare
Ne dut pas se donner pour rien.

اینجا آرامگاه کلئون رئیس خسیس ما میباشد که عدالت را با افراد کشور فروخته و تصور میکرد که یک شئی نادری نباید بدون عوض ب مردم داده شود .

نیچه فیلسوف بزرگ آلمانی علت عقب ماندگی بشر و کشور هارا از وجود بتهای اجتماعی که از مجموعهات بشمار میرود دانسته و درباره افرادی که جنون بزرگی دارند و خود را جنت مکان و مانند بت قابل ستایش میدانند بیاناتی کرده که عین آن را که بزبانهای مختلفه ترجمه شده است ذیلاً مینگاریم .

فارسی

در بیسط زمین از من بزرگتری نیست هنم آن انگشت کارپرداز خدائی
این است غرش این جانور .

نه فقط دراز گوشان و کوتاه نظرانند که بزانو در میافتند !
وای که در درون شما هم ای صاحبان روح عظیم او دروغ
خود را میدمد !

وای که در دل صاحبان که خواستار مجوند رخنه کرده .
آری ای مقهورکنندگان خدای کهن او شما را تسخیر میکند !
شما از مبارزه با خدا خسته شدید و اینک روح خستگی شما است
که در برابر این بت جدید کمر خدمت بسته است .

این بت جدید شرافتمندان و دلیران و قهرمانان را دور خود جمع
نموده و در آفتاب وجدانهای خوب این جانور سرد خود را گرم میکند .
این بت نوین همه چیز بشما میدهد اگر در برابر او سجده کنی
و پرتو تقوی و چشمان فروزنده و مفرور شما را برای خود میخرد .

آلمانی

"Auf der Erde ist nichts Größeres als ich: der ordnende
Finger bin ich Gottes" - also brüllt das Untier. Und nicht nur
Langgeohrte und Kurzgeäugte sinken auf die Knie!

Ach, auch in euch, ihr groszen Seelen, raunt er seine
düsteren Lügen! Ach, er errät die reichen Herzen, die gerne
sich verschwenden!

Ja, auch euch errät er, ihr Besieger des alten Gottes! Müde
wurdet ihr im Kampfe, und nun dient eure Müdigkeit noch
dem neuen Götzen!

Helden und Ehrenhafte möchte er um sich aufstellen,
der neue Götze! Gerne sonnt er sich im Sonnenschein guter
Gewissen - das kalte Untier!

Alles will er euch geben, wenn ihr ihn anbetet, der
neue Götze: also kauft er sich den glanz eurer Tugend und den
Blick eurer Stolzen Augen.

انگلیسی

"On earth there is naught greater than I; I am the ordering
finger of God!" thus belloweth this monster. And not only

the long-eared and short-sighted fall upon their knees!

Alas, even in you, ye great souls, it whispereth its dismal lies!

Alas, it searcheth out the generous - hearted which are eager to lavish themselves!

Yea, it findeth even you, ye conquerors of the old God! ye wearied in that battle, and now your weariness serveth the new idol.

The new idol would fain have about it heroes and honest men! Well it liketh - that cold monster! - to sun itself in the sunshine of good consciences.

To you also it will give all if ye worship it, this new idol: thus it buyeth for itself the lustre of your virtue and the glance of your proud eyes.

قرآنیه

«(Il n'y a rien de plus grand que moi sur la terre: je suis le doigt de Dieu qui ordonne)», ainsi clame le monstre. Et il n'est pas que ceux qui ont de longues oreilles et la vue basse pour tomber à genoux!

Hélas, en vous aussi, ô grandes âmes, il murmure ses sinistres mensonges! Hélas, il devine les cœurs riches qui volontiers se dépensent.

Oui, il vous devine, même vous, vainqueurs du Dieu ancien! Le combat vous a lassés et maintenant votre fatigue sert la nouvelle idole!

Elle voudrait placer autour d'elle des héros et des hommes honorables, la nouvelle idole! Il aime à se chauffer au soleil de la conscience tranquille, - ce monstre froid!

Elle veut tout vous donner pourvu que vous l'adoriez, la nouvelle idole: aussi s'achète-t-elle l'éclat de votre vertu et le regard de vos yeux fiers.

ایتالیائی

«(Sulla terra nulla è di me più grande; io sono il dito di Dio)» così rugge il mostro. E non cadano in ginocchio gli orecchiuti e i miopi soltanto.

Ahimè, anche in voi, o anime sublimi, egli insinua le sue tristi menzogne!

طريقه كشف جعل در عصر حاضر

Ahimè, egli sa indovinare i cuori ricchi che amano prodigarsi!

Si, egli ha indovinato anche voi, o debellatori dell'antico Dio! La lotta vi stancò, e la vostra stanchezza ora serve al nuovo idolo!

Il nuovo idolo vuol trarre a sè anche gli onesti e gli eroi. Egli si bea volentieri nella luce solare delle buone coscienze - il freddo mostro!

Tutto egli vuol dare a voi, se voi lo adorate: in tal modo s'acquista lo splendore di una nuova virtù e lo sguardo dei vostri occhi superbi.

ترکی

((Dünyada benden büyük bir şey yoktur, Ben, tanrının nizam veren parmagiyim.)) O vahşi hayvan böyle homurdar. Ve diz çökenler, yalnız uzun kulaklı ve kısa görüşlüler degildir.

Ah ey büyük ruhlar o, yalanlarını sizin içinize de sindirir. Ah, kendilerini harcamasını seven cömert gönülleri avlar.

Ey eski tanriyi yenenler, o sizi de bulur. Siz savaşta yorulmuşunuz. Şimdi yorgunluğunuz yeni puta yarıyor.

Yeni put etrafına kahramanlar ve namuslular dizmek ister. Bu soguk hayvan, iyi vicdanların ışığında güneşlenmeyi sever.

Bu yeni put kendisine yalvarırsanız size her şeyi vermek ister. Böylece faziletlerinizin paritisini ve magrur gözlerinizin bakisini satın alır.

عربی

- ليس أعظم منى على وجه الغبراء ، فأنا يدالوهمية المنظمة
وعند ما تهتف هذا الهتاف ، تنهاوى الركاب جائية ، وبين الراكعين كثير من غير
طوال الاذان وقصار النظر

ان هذه الاكاذيب تجد مصدقين لها واأسفاه حتى بينكم انتم ، يامن تجول فيكم
النفوس الأبية ، لان الحكومة تعرف ان تدغدغ قلوبكم الطامحة بالمكازم الطامحة الى الجود ،

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

انها لتخترق سرائرکم ، انتم ایضاً ، یامن تعلبتم علی الالوهیة القدیمة ، فهی تعرف انکم تعبتن من الکفاح فتستخدمن ملالکم لعبادة الصنم الجدید .

انه لصنم یتمنی ان یحیط به الابطال و فضلاء الرجال ، انه لمسخ باردیرید ان یدفأ بشمس الضمائرالمشعة المشرقة

انه لیمتحمکم کل شیء اذا انتم سجدتم له . فهذا الصنم الجدید یشتری لمعان فضائلکم وما فی لفتاتکم من عزة و کرامة .

افصح المتکلمین شیخ مصلح الدین سعدی که یکی از نوابغ و بزرگترین

سخن سرایان جهان بشمار میرود و قسمت اعظم عمر خود را در مسافرت گذرانیده و باوضاع و احوال عالم و قوف حاصل نموده و سرد و گرم روزگار را چشیده و تجربه ها اندوخته است در باب هشتم کتاب بوستان خود درضمن حکایتی بعنوان بت سومنات مانند نقاش زبردستی تابلویی از عملیات معمول و عاری از حقیقت تنها که بعنوان کشف و کرامات و معجزات تلقی گردیده ساخته و به نظم در آورده است که عین آن برای اطلاع خوانندگان گرام ذیلاً درج میگردد .

بت سومنات

مرصع چو در جاهلیت منات
که صورت نبندد از آن خوبتر
بدیدار آن صورت بی روان
چو سعدی وفا زان بت سنگدل
تضرع کنان پیش آن بی زبان
که حیی جمادی پرستد چرا ؟
نکو گوی و هم حجره ویار بود
عجب دارم از کار این بقعه من
مقید به چاه ضلالت درند
ورش بکنی بر نخیزد ز جای
وفا جستن ازسنگ چشمان خطاست
چه آتش شد از خشم و درمن گرفت
ندیدم در آن انجمن روی خیر
چوسگ در من ازبهر آن استخوان
ره راست در چشمشان کژ نمود
به نزدیک بی دانشان جاهلست
برون از مدارا ندیدم طریق
سلامت به تسلیم ولین اندرست

بتی دیدم از عاج درسومنات
چنان صورتش بسته تمثال گر
ز هر ناحیت کاروان ها روان
طمع کرده رایان چین و چگل
زبان آوران رفته از هر مکان
فروماندم ازکشف آن ماجرا
مغی را که با من سروکار بود
به نرمی پرسیدم ای برهن
که مدهوش این ناتوان پیکرند
نه نیروی دستش نه رفتار پای
نه بینی که چشمانش از کهر باست
براین گفتن آن دوست دشمن گرفت
مغان را خبر کرد و پیران دیر
فتادند گبران پا زند خوان
چه آن راه کژ پیششان راست بود
که مردار چه دانا و صاحبدلست
فرو ماندم از چاره همچون غریق
چو بینی که جاهل بکین اندرست

که ای پیر تفسیر استاوزند
 که شکلی خوش و قامتی دلکش است
 ولیکن ز معنی ندارم خبر
 بد از نیک کمتر شناسد غریب
 نصیحت گر شاه این بقعه
 که اول پرستندگان منم
 خنک رهروی را که آگاهی است
 پسندید و گفت ای پسندیده گوی
 بمنزل رسد هر که جوید دلیل
 بتان دیدم از خویشتن بیخبر
 بر آرد ییزدان دادار دست
 که فردا شود سراین بر تو فاش
 چو بیژن بچاه بلا در اسیر
 مغان گرد من بی وضو در نماز
 بغلها چو مردار در آفتاب
 که بر دم دراین شب غذا بی الیم
 یکم دست بر دل یکی بر دعا
 بخواند از فضای برهن خروس
 بر آهخت شمشیر روز از غلاف
 بیکدم جهانی شد افروخته
 ز یک گوشه ناگه درآمد تار
 بدیر آمدند از در و دشت و کوی
 در آن بتکنه جای ارزن نماند
 که ناگاه تمثال برداشت دست
 تو گفתי که دریا بر آمد بجوش
 برهن نگه کرد خندان بمن
 حقیقت عیان گشت و باطل نماند
 خیال محال اندر و مدغم است
 که حق ز اهل باطل بیاید نهفت
 نه مردی بود پنجه خود شکست
 که من ز آنچه گفتم پشیمان شدم
 عجب نیست سنگ اربگردد بسیل
 بعزت گرفتند بازوی من
 بکرسی زر کوفت بر تخت ساج
که لعنت به بت باد و بر بت پرست

مهمین بر همن را ستودم بلند
 مرا نیز با نقش این بت خوش است
 بدیع آیدم صورتش در نظر
 که سالوک این منزلم عنقریب
 تو دانی که فرزین این رقه
 چه معنی است در صورت این صنم
 عبادت به تقلید گمراهی است
 برهن ز شادی بر افروخت روی
 سئوالت صوابست و فعلت جمیل
 بسی چون تو گردیدم اندر سفر
 جز این بت که هر صبح از اینجا که هست
 و گر خواهی امشب همین جا باش
 شب آنجا بودم بفرمان پیر
 شبی همچو روز قیامت دراز
 کشیشان هرگز نیاز زده آب
 مگر کرده بودم گناهی عظیم
 همه شب در این قید غم مبتلا
 که ناگه دهل زن فرو کوفت کوس
 خطیب سیه پوش شب بی خلاف
 فساد آتش صبح در سوخته
 تو گفתי که در خطه زنگبار
 مغان تبه رای نا شسته روی
 کس از مرد در شهر و از زن نماند
 من از غصه رنجور و از خواب بست
 بیگبار از ایشان بر آمد خروش
 چو بتخانه خالی شد از انجمن
 که دانه تورا هیچ مشکل نماند
 چو دیدم که جهل اندر و محکم است
 نیارستم از حق دگر هیچ گفت
 چو بینی زبردست را زوردست
 زمانی بسالوس گریان شدم
 بگریه دل کافران کرد میل
 دویدند خدمت کتان سوی من
 شدم عذر گویان بر شخص عاج
 بتک را یکی بوسه دادم بدست

برهن شدم در مقالات زند
نگنجیدم از خرسی در زمین
دویدم چپ و راست چون عقربی
یکی پرده دیدم مکلل بزر
مجاور سر ریسمانی بدست
چه داود کاهن بر او موم شد
بر آرد صنم دست بر آسمان
که شنت بود بخیه بر روی کار
نگونش بچاهی در انداختم
بماند کند سعی در خون من
مبادا که رازش کنم آشکار
ز پایش در افکنن چو دریافتی
نخواهد ترا زندگانی دگر
اگر دست یابد ببرد سرت
چو رفتی و دیدی اسانش مده
که از مرده دیگر نیاید حدیث
رها کردم آن بوم و بگریختم
ز شیران به پرهیز اگر بخردی
چو کشتی در آن خانه دیگر بهای
گریز از محلت که گرم اوفتی
چو افتاد دامن بدنجان بگیر
که چون پای دیوار کندی مایست

به تقلید کافر شدم روز چند
چو دیدم که در دیر گشتم امین
در دیر محکم بیستم شبی
نگه کردم از زیر تخت وزبر
پس پرده مطرائی آذر پرست
بفورم در آنحال معلوم شد
که ناچار چون در کشد ریسمان
برهن شد از روی من شرمسار
بتازید و من در پیش تاختم
که دانستم از زنده آن برهن
پسندد که از من بر آرد دمار
چه از کار مفسد خبر یافتی
که گر زنده اش مانی آن بی هنر
وگر سر بخدمت نهد بر درت
فرینده را پای در پی منه
تماش بکشتم بستگ آن خبیث
چو دیدم که غوغا برانگیختم
چو اندر نیستانی آتش زدی
مکش بچه مار مردم گزای
چو زنبور خانه بیاشوفتی
بچاکتر از خود مینداز تیر
در اوراق سعدی چنین پند نیست

ظهور دین مقدس اسلام از لحاظ وضع قوانین که او امر و نواهی باشد در جزیره العرب
که مرکز بت پرستان بود بدوره بت پرستی و هرج و مرج خاتمه داده و عالم بشریت را
بسوی حقیقت راهنمایی نمود و در موارد عده هم در قرآن مجید در قسمت بی اساس بودن
اصول بت پرستی اشاراتی شده و بشر را برای نیل بسعادته ابدی باصل ثابت و پایدار
یکتا پرستی راهنمایی فرموده است که ذیلاً آیات مبارکه درج میگردد.

آیه ۱۶ از سوره عنکبوت:

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ أَفْئَاةَ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ
مِن دُونِ اللَّهِ لَئِيْلِكُمْ لَكُمْ رِزْقًا فَاتَّبِعُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ
إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ .

که ترجمه اش این است. شکی نیست کسانی که غیر از خدا بتها را مورد ستایش

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

قرار میدهند و دروغ و مجعولاتی را علم مینمایند ایندسته از مردم بغیر از حضرت احدیت
افرادیرا پرستش میکنند که روزی دهنده آنان نبوده در صورتی که روزیرا از خداوندکه
بسوی او بازگشت میکنید و روزی دهنده شما است طلبیده و او را پرستش کرده و شکر گذارباشید
و در آیه ۴۰ از همان سوره میفرماید :

مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بِعَبَاءٍ
وَإِنَّ أَوْلَى الْأَيْتِ لِبَيْتِ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ :

که ترجمه آیه شریفه این است :

کسانیکه حامی و نگهبان خود را غیر از خدا میدانند مانند عنکبوتند که خانه
میسازد و اگر بفهمند سست ترین خانه ها خانه عنکبوت میباشد.
همچنین درسوره کافرون میفرماید :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ
وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ .
که ترجمه سوره مبارکه این است :

بگو بکفار آنچه مورد پرستش شما است من پرستش نمیکنم . شما هم آنچه
مورد پرستش من است پرستش نمیکنید . و من هم پرستش نمیکنم آنچه را که شما میپرستید .
و شما هم پرستش نمیکنید آنچه که من پرستش میکنم - شما از دین خود و منم از دین
خودم پیروی میکنم .

در هر حال اول مرحله تحول يك جامعه این است که گوش شنوا
برای استماع حقایق داشته و آنرا بمرحله اجرا گذارد .
لذا باید از خلق برید و بخالق پیوست تا سعادت و رفاه و آسایش
ابدی نصیب همه گردد .

درخاتمه از اطاله کلام و تصدیع معذرت خواسته و اگر عمری باقی باشد ومانعی
پیش نیاید بذکر بقیه مباحث جعل پرداخته و توفیق همه را از حضرت احدیت خواستارم